

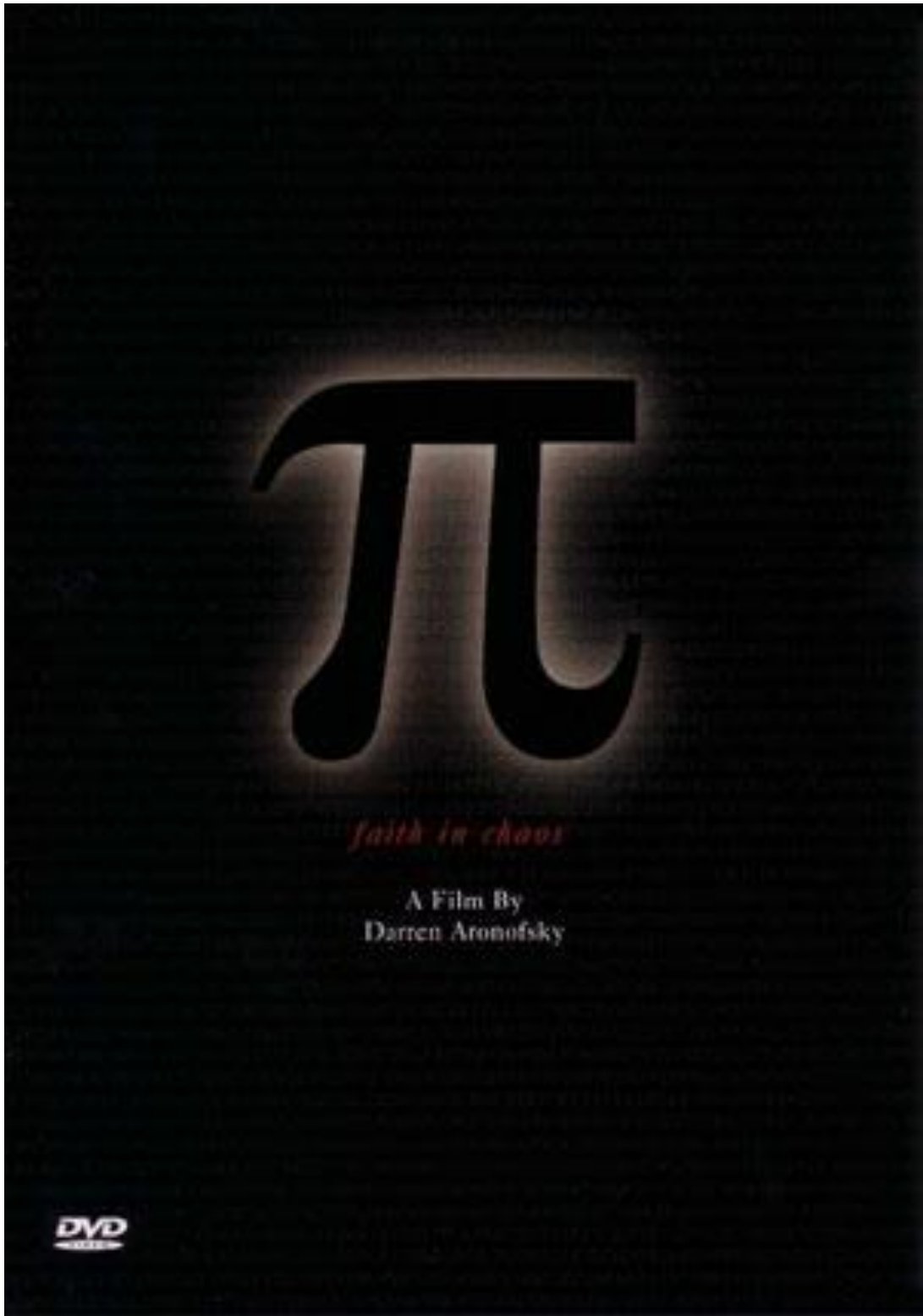
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



موضوع تحقیق: نقد و بررسی فیلم Pi از منظر خداشناسی

استاد مربوطه: دکتر محمودرضا قاسمی

محقق: احمد عابدی



## کارگردان: دارن آرنوفسکی

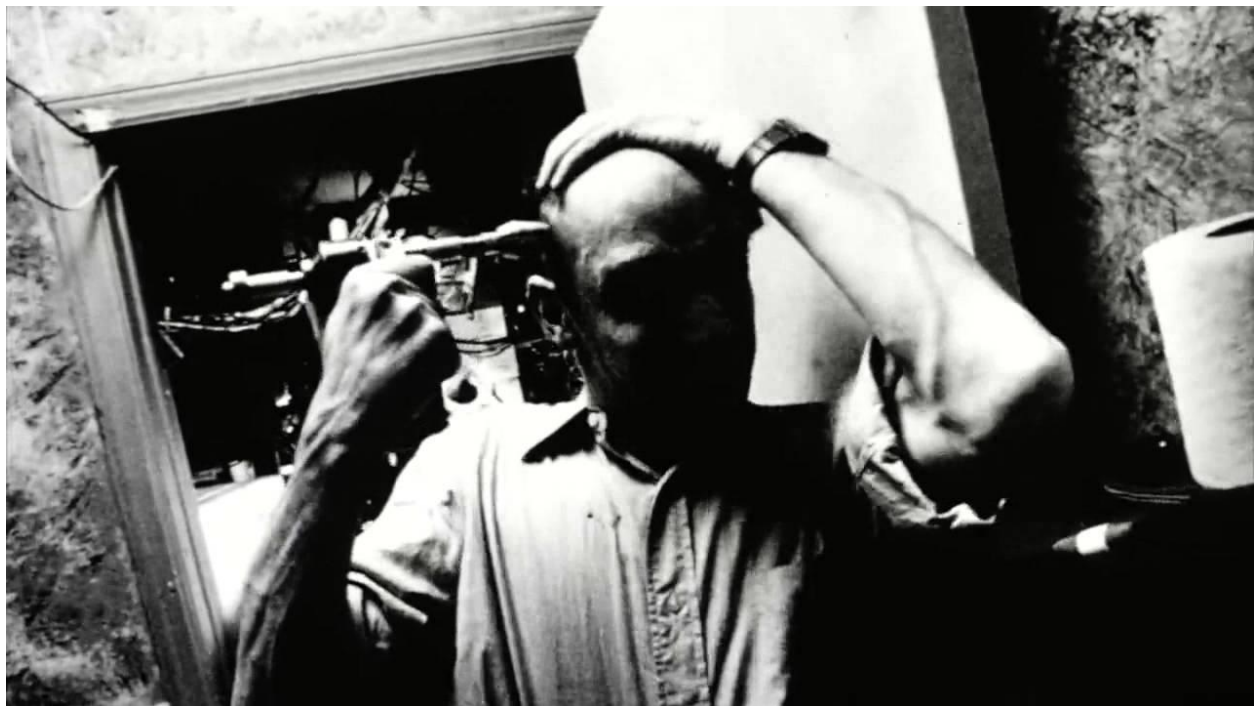


دارن آرنوفسکی زاده ۱۲ فوریه ۱۹۶۹ کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده آمریکایی است. او با ساخت فیلم‌های درام روان‌شناسانه که مضامین فراواقع‌گرا و تاریک دارند، به شهرت رسید.

آرنوفسکی که در رشته فیلم‌سازی و انسان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه هاروارد و بنیاد فیلم آمریکا تحصیل کرده‌است، اولین فیلم خود را در سال ۱۹۹۷ به نام پی کارگردانی کرد. او برای ساخت فیلم‌هایی مانند مرثیه‌ای بر یک رؤیا و قوی سیاه نامزدی و جوایز متعددی را از جشنواره‌های معتبر سینمایی به دست آورد.

## بررسی فیلم:

**Pi** یا پی-باور به آشفستگی فیلمی سورئالیستی و تریلر روانشناسانه به کارگردانی دارن آرونوفسکی است که در سال ۱۹۹۸ ساخته شد و توانست جوایز جشنواره فیلم ساندنس و جایزه ایندپندنت اسپیریت برای بهترین فیلم‌نامه را ببرد. نام این فیلم از عدد پی گرفته شده است.



این فیلم اولین کار بلند دارن آرونوفسکی است که توجه بسیاری از منتقدین را به خود معطوف ساخت. اما فیلم pi یک فیلم صرفاً تجاری نبود زیرا به خاطر ساختارهای پیچیده و نوع روایت داستان و مضمون و محتوا فیلمی تماشاگر پسند نبود. اما به واقع یکی از متفاوت ترین آثار سینمای دهه نود می‌باشد.

فیلم pi داستان یک ریاضی دان نابغه به نام ماکسیمیلیان کوهن (Maximillian Cohen) است، او سعی دارد با علم ریاضی **ماهیت خدا** را کشف کند و برای این کار نظریه هایی را هم ارائه میکند. او دارای بیماری صرع است و گاه و بیگاه دچار تشنج های شدید عصبی و مغزی میشود.



## رابطه علم ریاضی با خدا، دین، مذهب، فلسفه

باز گویی فرضیه ها:

۱- ریاضیات زبان طبیعت است.

۲- همه چیزهای اطرافمان را میتوان با اعداد و ارقام، تفسیر و درک کرد.

۳- اگر نمودار هندسی اعداد هر سیستمی را رسم کنیم، الگوهای خاصی پدید می آیند...

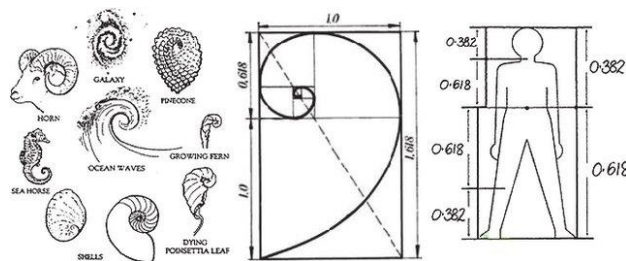
۴- بنابراین الگوها در همه جای طبیعت وجود دارند.

ریاضیات زبان طبیعت است و این جزء اولین دیالوگهایی است که توسط کوهن گفته میشود، شاید یکی از نکات مثبت این فیلم آن است که مخاطب را از هر قشری که باشد به فکر فرو میبرد و فیلم در این زمینه به خوبی عمل میکند. فکر کردن به جهانی که طبق علم ریاضیات به وجود آمده و طبق همین علم پیش میرود. به طوری که در سکansı از فیلم خدا یک عدد ۲۱۶ رقمی است! با توجه به نام دانشمندان و فلاسفه بزرگ که در این فیلم را یک فیلم فلسفی نیز قلمداد کرد، فیلمی که به مسائل افرینش میپردازد و  $\pi$  نام آنها را میشنویم، میتوان فیلم با نگاهی روشن گرایانه سعی در اثبات خدا توسط علم دارد.

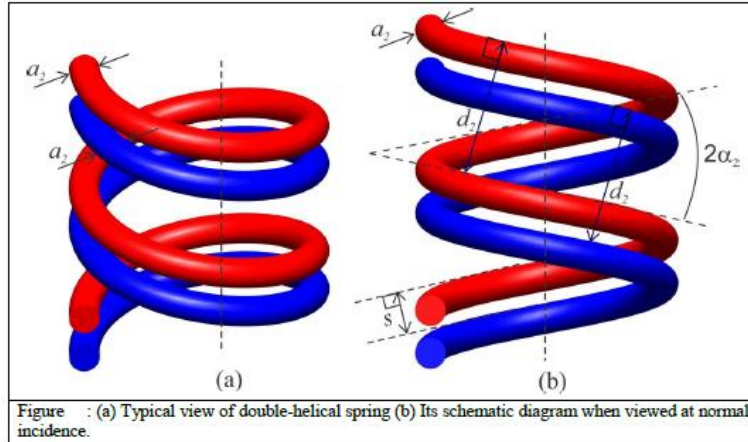
این فیلم جدا از ساختارهای فلسفی که دارد به مسائل سیاسی نیز گوشه چشمی دارد و به طور نامحسوسی به موارد سیاسی هم اشاره میکند. سیاستمداران در پی کشف حقیقت برای جهان هستی هستند تا توسط کشف آن به جاودانگی و قدرت برسند

در سکانسی از فیلم به رابطه بین اعداد و کتاب مقدس تورات اشاره میشود که رابطه ای شگفت انگیز و واقعی است. رابطه بین زبان عبری و ایات تورات به صورت کاملاً مرموز و رمز گونه حکایت از رمزی برای جاودانگی دارد ! مسئله ای که در این فیلم عنوان میشود اعداد فیبوناچی و زبان عبری و تورات! و رابطه تنگاتنگ بین اینهاست

سری فیبوناچی چه در ریاضیات چه در فیزیک و علوم طبیعی ، کاربردهای بسیار دیگری دارد ، ارتباط زیبایی فاصله های خوش صدا در موسیقی ، چگونگی تولد یک کهکشان و ... این الگو را می توان در گلبرگ ها یا دانه های بسیاری از گیاهان مثلاً آناناس ، گل داوودی ، گل کلم ، میوه های کاج و ... مشاهده کرد . خود انسان از ناف به نسبت فی تقسیم می شود. این نسبت نقش پیچیده ای در پدیده هایی مانند ساختار کریستال ها ، سال های نوری فاصله بین سیارات و پریودهای چرخش ضریب شکست نور در شیشه ، ترکیب های موسیقی ، ساختار سیاره ها و حیوانات بازی می کند . علم ثابت کرده است که این نسبت به راستی نسبت پایه و مبنای خلقت جهان است . هنرمندان دوره رنسانس عدد فی را یک نسبت الهی می دانسته اند



مستطیل های طلایی ، مانند نسبت طلایی فوق العاده ارزشمند هستند . در بین مثال های بی شمار از وجود این نسبت و یکی از برجسته ترین آنها مارپیچ های DNA است این دو مارپیچ فاصله دقیقی را با هم براساس نسبت طلایی حفظ می کنند و دور یکدیگر می تابند.



اسپیرال طلایی که به آن اسپیرال لگاریتمی و اسپیرال متساوی‌الزاویه نیز می‌گویند هیچ حدی ندارد و شکل ثابتی است. روی هر نقطه از اسپیرال می‌توان به هر یک از دو سو تا بی‌نهایت حرکت کرد. از یک سو هرگز به مرکز نمی‌رسیم و از سوی خارجی نیز هرگز به انتها نمی‌رسیم.

عنکبوت شبکه تارهای خود را به صورت اسپیرال لگاریتمی می‌بافد. رشد باکتری‌ها دقیقاً براساس رشد منحنی اسپیرال است.

اسب‌های آبی، صدف حلزون‌ها، صدف نرم‌تنان، موج‌های اقیانوس‌ها، سرخس‌ها، شاخ‌های جانوران و نحوه قرار گرفتن گلبرگ‌های گل آفتاب‌گردان و چیدمان گل مروارید، همه به صورت اسپیرال لگاریتمی است. گردباد و منظومه‌ها از نگاه بیرون کاملاً در مسیری به صورت اسپیرال حرکت می‌کنند





اما این حقیقت چیست؟ و این رمز جاودانگی که یک عدد ۲۱۶ رقمی است چه میتواند باشد؟ عدد و رمزی که هم مذهبیان و هم سیاستمداران و دانشمندان در این فیلم به دنبال کشف کردن آن هستند و برای همین در این فیلم ما مشاهده میکنیم که تمام این گروهها به هر نحوی که شده میخواهند با کشف کردن این رمز حقیقت خدا را ثابت کنند و آن از برای اعمال پلید استفاده کنند، و همین عوامل سبب میشود که تمام این گروهها سخت به دنبال ماکسی کوهن نابغه باشند چون او کلیدی است برای کشف حقیقت! ماکسی کوهن دست به یک خطر بزرگ میزند، تا جایی میخواهد بالا برود، که امکان نابودیش وجود دارد. در سکansı از فیلم استاد ریاضی دان کوهن به او میگوید: **اگر زیاد بالا بروی خواهی سوخت**

### نتیجه:

ماهیت خداوند به این معنا که مثلاً از چه چیز به وجود آمده یا ساخته شده و یا هر چیزی از این است، اصلاً صحیح نمیباشد. چنین فرض هایی، نشانه نقص و کمبود است و در ذات الهی راه ندارد. به عبارت دیگر خدایی که تصور میکنیم، خدا است و اصولاً خداوند در تصور و خیال ما در نمیآید و عقل نیز به ذات الهی راه نمیآید به این معنا که ماهیت او را درک کند، چون لازمه آن، احاطه به خداوند است و خدای نامحدود در احاطه موجود محدود و عقل ناقص داخل نمیشود.

۱- راه دل یا فطرت

۲- راه حس و علم یا راه طبیعت

۳- راه عقل که از طریق استدلال فلسفی و عقلی به اثبات خدا میپردازد

در قرآن کریم و روایات اسلامی از هر سه راه برای اثبات صانع استفاده شده و سخن در باب اثبات خدا بسیار است و قرآن کریم گاهی با بیانی شیوا، فطرت آدمی را به تأمل وامیدارد. راه فطرت همان غریزه خداخواهی و خداجویی است که نوعی جاذبه معنوی است که خداوند در نهاد هر انسانی به ودیعت نهاده است. این کشش و جاذبه بین من و تو و خدا در همیشه عمر قرین و یار ما است. خداوند میفرماید: "پس دیده خود را به سوی آیین الهی، متوجه گردان! این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده است". (۱) در قسمت آخر این آیه فطری بودن گرایش انسان به دین و خداشناسی تأکید میکند

راه حس و طبیعت نیز راهی است برای شناخت خالق. انسان وقتی به نظام هستی مینگرد، وقتی به زمین و زمان و دریا و خشکی و وجود خود مینگرد و نظم حاکم بر اینها را لحاظ میکند، میباید خالق وجود دارد که مجموعه عالم هستی را با نظم خاص، به نمایش گذارده است

راه عقل نیز برای اثبات کردگار باز است، هر چند این راه دشوارترین راهها میباشد. قرآن مشوق آدمی در این راه میباشد و براهین فلسفی زیادی بر اثبات صانع اقامه شده که این براهین براساس مبنای فلسفه اسلامی بنیان نهاده شده است.

خلاصه سخن این که باید اذعان کرد که خدایی هست و آن خدا موجود واجب الوجودی است که این جهان اثر صنع او است و میتوان با مطالعه پیرامون خود به **شناخت خدا** برسیم ولی هیچ وقت به **ماهیت خدا** نمیتوان پی برد.

منابع:

pasokhgoo.ir

wikipedia.org

cinemodern.ir

researchgate.net

.